**( 170 )**

**هو الابهی**

ای عاشق جمال ذو الجلال در مراسله این بیت مسطور غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ئی در کف شیری نری خونخواره‌ئی ولی من میگویم خوش بود تسلیم خوشتر زان رضا پیش یار مهربان باوفا زیرا آنچه کند جوهر صفاست و روح وفا باری چون آتش عشق در هویت قلب برافروزد قصور و فتور و ذنوب و کروب را بکلی بسوزد در آنمقام حکومت سلطان محبت نماید و سلطنت شهریار عشق راند از فضل حق امید گشایش است و حصول آسایش ان ربی کریم کریم (ع ع)